

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# فیش منبر

دوستی و محبت اهل بیت

\*علیهم الصلاه و السلام\*



کانال فیش منبر در ایستا



<https://eitaa.com/fishemenbar>

عرضه در سایت طلبه یار =

<http://www.talabeyar.ir>

## دوستی و محبت اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه علی علیه السلام

### ضرورت دوستی خاندان رسالت

عشق به اهل بیت علیهم السلام زمینه ساز عشق به خداوند است و دوست داشتن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مهر ورزیدن به ارزش‌های والای الهی می‌باشد.

رسیدن به قله رفیع کمالات معنوی و انسانی بدون دوستی اولیاء الهی ممکن نیست و پذیرش اعمال و زحمات یک مسلمان در گرو محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. امام علی علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند:

«لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن اربع... و عن حبنا اهل

البیت؛ (۱)

در روز قیامت هیچ بنده‌ای قدم بر نمی‌دارد مگر اینکه از چهار چیز سؤال می‌شود... [که چهارمین سؤال] از دوستی ما اهل بیت خواهد بود.»  
براین اساس تقرب به خداوند و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت با عشق و دوستی آل پیامبر صلی الله علیه و آله عجین شده است.  
مولوی می‌گوید:

هر که خواهد همنشینی با خدا

## او نشیند در کنار اولیاء

مهرورزی به دیگران یک نیاز محبت اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه  
علی علیه السلام

فطری است، اما چه زیباست که انسان در بذل محبت، خوبان و  
برترین‌ها را برگزیند و اهل بیت علیهم السلام مظهر خوبی‌ها و کمالاتند،  
چنانکه علی علیه السلام فرمود:

«هیچ کس را در کمالات و صفات زیبای انسانی با آل محمد صلی الله  
علیه و آله نمی‌شود مقایسه کرد، دیگران که پرورده نعمت هدایت اهل بیت  
پیامبرند، هیچ گاه با آنان برابر نخواهند بود.»

عواطف پاک و اظهار عشق و علاقه نسبت به معصومین علیهم السلام و  
خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ثبات قدم در راه دین و  
دینداری است و عشق و محبت خالصانه به اهل بیت علیهم السلام انسان را  
در برابر گناه و فساد بیمه می‌کند.

سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی

عشق محمد بس است و آل محمد

بهترین نوع ارتباط با پیشوایان معصوم علیهم السلام همان محبت و  
مودت می‌باشد که یک رابطه قلبی و درونی است و خداوند متعال هم در  
قرآن کریم به چنین ارتباطی دعوت کرده و می‌فرماید «قل لا اسئلكم علیه

اجرا الا المودة في القربى»؛ (۲) «بگو: من بر انجام امر رسالت، از شما مزدی نمی‌خواهم مگر دوستی و محبت درباره نزدیکانم.»

در زیارت امین الله نیز می‌خوانیم: «خداوندا! دل و جان مرا شیفته اولیای برگزیده ات قرار ده و مرا در زمین و آسمان محبوب گردان.» (۳)

هر قدر محبت و دلباختگی و ارتباط قلبی با ائمه اطهار علیهم السلام بیشتر باشد، تبعیت و همرنگی و همراهی و همدلی با آنها نیز بیشتر خواهد شد. نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی، همفکری و همراهی و هم سویی بسیار مهم است و مردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تاثیر می‌گذارد و زمینه ساز تبعیتی عاشقانه می‌شود نه یک اطاعت رسمی و تشریفاتی. در این صورت میان «شناخت»، «عشق» و «پیروی» رابطه‌ای مستحکم به وجود می‌آید، زیرا معرفت محبت می‌آورد و محبت «ولایت و تبعیت.» (۴)

عشق به اهل بیت علیهم السلام در دیدگاه علی علیه السلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و آن حضرت در فرصت‌های مختلف، درجات، زمینه‌ها، نشانه‌ها، آثار و برکات، آفات و موانع و بالاخره شیوه‌های ایجاد محبت اهل بیت علیهم السلام را بیان فرموده است. در این جا به طور فشرده به گزیده‌ای از آن گفتارها می‌پردازیم.

عشق ورزیدن به معشوق، بستگی به میزان شناخت عاشق از کمالات و زیبایی‌های او دارد و هر کس براساس معرفت خویش به محبوب ارادت می‌ورزد. اگر آشنایی ضعیفی داشته باشد بی‌تردید رابطه قلبی او هم در درجات پایین خواهد بود و هر قدر معرفت او به کمالات و فضائل محبوب خود بیشتر باشد ارادت قلبی، عشق و علاقه و در نتیجه خضوع و خشوع و تسلیم در برابر محبوب بیشتر و ریشه دارتر خواهد بود و ثمره متقابل این محبت نیز به نسبت عشق و علاقه و خضوع و تسلیم است.

امام علی علیه السلام در رابطه با درجات گوناگون دلباختگان اهل بیت علیهم السلام و نتیجه آن می‌فرماید: «من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و قاتل معنا بیده فهو معنا فی الجنة فی درجتنا، و من احبنا بقلبه و اعاننا بلسانه و لم یقاتل معنا اعداءنا فهو اسفل من ذلک بدرجه و من احبنا بقلبه و لم یعنا بلسانه و لا بیده فهو فی الجنة؛ (۵) هر کس ما را در دل دوست داشته باشد و با زبانش یاری کند و با دستش به دفاع از ما برخیزد (یعنی با تمام وجود دلباخته ما باشد)، در بهشت هم درجه و همنشین ما خواهد بود و هر که ما را با دل دوست بدارد و با زبان یاری کند و همراه ما با دشمنانمان نجنگد، یک درجه پایین‌تر خواهد بود و هر که با قلبش ما را دوست دارد ولی با زبان و دست به یاری ما نشتابد، در بهشت خواهد بود.»

## زمینه‌های عشق به اهل بیت علیهم السلام

پیوند دادن نوزادان با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و عجین کردن وجود آنان با عوامل عشق اهل بیت علیهم السلام و هموار کردن زمینه این محبت، تاثیر زیادی در شکل گیری وجود آنان داشته و آنان را در زندگی آینده خویش با آل محمد صلی الله علیه و آله مرتبط ساخته و از دل دادگان آن خاندان خواهد ساخت. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «اما ان اهل الکوفه لو حنکوا اولادهم بماء الفرات لکانوا شیعه لنا؛ (۶) بدانید که اگر مردم کوفه، کام نوزادان خویش را با آب فرات برداشته بودند، آن‌ها شیعه ما می‌شدند.»

بدیهی است که آب فرات خصوصیتی برای مردم کوفه ندارد و تمام اهل عالم را شامل می‌شود چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «من گمان نمی‌کنم کام نوزادی را با آب فرات برداشته باشند ولی او عاشق ما اهل بیت نباشد.» (۷)

البته راه‌های مختلفی برای زمینه سازی دوستی اهل بیت علیهم السلام در سیره و سخن معصومین علیهم السلام و به ویژه مولای متقیان وجود دارد که مجال مفصل تری می‌طلبد، همچون نامگذاری کودک با نام‌های اهل بیت علیهم السلام، بردن به زیارت و مجالس آن بزرگواران، دقت در غذای کودکان، ذکر فضائل و آشنایی فرزندان با مقام اهل بیت علیهم السلام،

ارتباط دادن خاطرات خوش زندگی با خاندان رسالت صلی الله علیه و آله و سایر مواردی که می‌توانیم به وسیله آنها خود و فرزندانمان را در مسیر ارادتمندان آل پیامبر و شیفتگان حضرات معصومین علیهم السلام قرار دهیم.

### نشانه‌های محبت و دوستی اهل بیت علیهم السلام

علاقه به یک چیزی و محبت داشتن به آن، علائم و نشانه‌هایی دارد و بدون آن انسان نمی‌تواند به حقیقت ادعای دوستی کسی پی ببرد و حتی گاهی ممکن است انسان در حقیقی بودن ادعای دوستی، دچار تردید و اشتباه شود.

برخی از این نشانه‌ها با توجه به سخنان امام علی علیه السلام عبارتند از:

#### ۱ - محبت توام با عمل و تقوا

دوست داشتن اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تقوای الهی و دلی پاک می‌خواهد. شیدای اهل بیت علیهم السلام باید دوستی خویش را در عمل نشان دهد و گرنه علاقه ظاهری نمی‌تواند چندان تاثیری در زندگی انسان داشته باشد.

علی علیه السلام می فرماید: «من احبنا فلیعمل بعملنا و لیتجلبب الورع؛  
(۸) هر که ما را دوست دارد باید مثل ما عمل کند و لباس پرهیزگاری را  
جامه و پوشش خود قرار دهد.»

ورع و تقوی و دوری از گناه باید سرلوحه زندگی محبان اهل بیت  
علیهم السلام باشد تا بتوانند عشق پاکان را در دل خود جای دهند و گرنه  
دلی پر از شوق گناه را چطور می توان جایگاه و ظرف محبت اولیاء الهی قرار  
داد. شیفتگان اهل بیت علیهم السلام باید همیشه چنین زمزمه کنند:  
دل جایگاه عشق تو باشد نه غیر تو  
این خانه خداست به شیطان نمی دهم

## ۲ - عشق به دوستان اهل بیت علیهم السلام

کسی که آل پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست داشته باشد لزوما  
دوستان آنان را هم باید دوست بدارد. و این یکی دیگر از نشانه های  
شیفتگان اهل بیت علیهم السلام است. امیر مؤمنان علیه السلام در این رابطه  
می فرماید:

«هر کس می خواهد بداند که آیا عاشق حقیقی اهل بیت علیهم السلام  
است یا نه، به قلب خویش رجوع نماید، اگر در دلش محبت دوستان ما

هست پس او دشمن ما نیست؛ دوست ماست، ولی اگر یکی از دوستان ما را در دلش دشمن می‌دارد، او دوستدار حقیقی ما نیست.» (۹)

همچنین روزی شخصی به حضور علی علیه السلام آمده و عرضه داشت: یا امیرالمؤمنین! من تو را دوست می‌دارم و به فلانی هم علاقمندم. و در آن حال نام یکی از دشمنان آن حضرت را برد. حضرت به او فرمود: «یا کور باش یا بینا.» (۱۰)

ولایت و محبت ائمه معصومین علیهم السلام را نمی‌شود با دوستی‌های دیگر مخلوط نمود؛ یعنی هم در دل در گرو عشق آنان نهاد و هم دلبسته مخالفان آنها شد، و به عبارتی دیگر با یک دل نمی‌توان دو دلبر داشت.

خلوت دل نیست جای صحبت اغیار

دیو چو بیرون رود فرشته در آید

در زیارت جامعه کبیره می‌گوئیم: «فمعکم معکم لا مع عدوکم...»؛ [ای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله!] من با شما هستم، با شما هستم، نه با دشمن شما...» (۱۱)

و در حدیث دیگری امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «من احب الله احب النبی و من احب النبی احبنا و من احبنا احب شیعتنا»؛ (۱۲) هر کس خداوند را دوست دارد پیامبرش را دوست خواهد داشت، و هر کس پیامبر صلی الله

علیه و آله را دوست بدارد ما را وست خواهد داشت و هر کس ما را دوست  
بدارد شیعیان ما را دوست می‌دارد».

### ۳ - کتمان محبت در نزد نامحرمان

بعضی افراد نه تنها قابلیت و استعداد محبت اهل بیت علیهم السلام را  
ندارند بلکه طاقت تحمل شنیدن مدح و ثنای آل پیامبر صلی الله علیه و آله  
را نیز ندارند. این خفاش صفتان که از دیدن نور حقیقت کورند از آن جا که  
از شنیدن فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام گریزانند، از روی کینه و  
حسد موجب آزار و اذیت دوستان اهل بیت علیهم السلام می‌شوند و زمینه  
تحقیر آنان را فراهم می‌سازند.  
گرچه باید گفت:

شپره گر وصل آفتاب نخواهد

رونق بازار آفتاب نکاهد

امیرمؤمنان علیه السلام از ابراز محبت در نزد چنین افرادی منع کرده و  
فرمودند: «ما را در پیش دشمنانمان مدح نکنید و در نزد نااهلان به ما اظهار  
علاقه ننمایید، زیرا آنان این عشق مقدس شما را بر نمی‌تابند و موجب  
تحقیر و اذیت شما می‌شوند.» (۱۳)

ولایت اهل بیت و دلباختگی به این خاندان بدون آمادگی برای رنج و محنت‌ها و با گریختن از انواع محرومیت‌ها امکان پذیر نخواهد بود، زیرا:

نازپرورده تنعم نبرد راه بدوست

عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

حقیقی بودن علاقه درونی شخص، هنگامی نمایان می‌شود که فرد مورد

امتحان قرار گیرد و حوادثی تلخ و ناراحت کننده در زندگی انسان رخ

نماید، آن گاه است که دوستان حقیقی از دوستان مجازی جدا می‌گردند و

گر نه در هنگام راحتی و آسایش هر کسی می‌تواند ادعای دوستی اهل بیت

علیهم السلام را داشته باشد. آری راه عشق، راهی بس دشوار و رنج آور و

بلاخیز است. عاشق صادق هرگز از رنج و بلای در راه دوست نمی‌ترسد

بلکه با شوق و رغبت به استقبال آن می‌شتابد. امام علی علیه السلام

می‌فرماید: «من تولانا فلیبس للمحن اهابا؛ (۱۴) هر کس ما اهل بیت پیامبر

صلی الله علیه و آله را دوست بدارد باید برای محنت‌ها پوستی دیگر

بپوشد.» کنایه از اینکه آماده انواع بلاها و مشکلات باشد.

هر که در این بزم مقربتر است

جام بلا بیشترش می‌دهند

جان نثاری و فداکاری با تمام وجود از علامت‌های عشاق حقیقی اهل بیت علیهم السلام است و آنان رنج‌ها و بلاهایی در طریق عشق به اهل بیت علیهم السلام با کمال میل، همچون لذت بخش‌ترین جرعه‌ها سر می‌کشند. عاشق صادق برای اینکه با معشوق خود همنشین شود باید هستی خویش را در اختیار محبوب بگذارد و خود را از تمام محبت‌ها و تعلقات دیگر رها سازد. به گفته حافظ:

بحری است بحر عشق که هیچ‌ش کناره نیست

آنجا جز آنکه جان بسپارند، چاره نیست

باید در راه ولایت و محبت اهل بیت سختی‌ها و رنج‌ها را تحمل کرد و دم بر نیاورد و باید خون دل خورد و هیچ نگفت و این یکی از بارزترین نشانه‌های مهم شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. امیرمؤمنان علیه السلام در سخنی دیگر فرمود: «من احبنا اهل البيت فليستعد للفقر جلابا؛ (۱۵) هر کس ما اهل بیت را دوست بدارد پس باید فقر و محرومیت‌ها را چونان لباس روین بپذیرد.»

حتی در کلمات مولای متقیان نکاتی دیده می‌شود که آن حضرت عشق به اهل بیت علیهم السلام به ویژه دوستی خودش را برای اکثر مردم غیر قابل تحمل می‌داند و می‌فرماید: «لو احبني جبل لتهافت؛ اگر کوهی مرا دوست بدارد درهم فرو می‌ریزد.» یعنی محرومیت‌ها و مشکلات و بلاها به

سرعت به سراغ او می‌آید و این سرنوشت در انتظار تمام پرهیزکاران و برگزیدگان و یاران حقیقی اهل بیت علیه السلام است. (۱۶)

## ۵ - براءت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام

یکی دیگر از نشانه‌های عشق حقیقی، دوری جستن از مخالفین و دشمنان عترت پیامبر صلی الله علیه و آله است. دوستدار حقیقی اهل بیت علیهم السلام باید از دشمنان آنان تبری جوید و محبت خویش را برای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله خالص و بی‌آلایش سازد و در سخنان معصومین علیهم السلام فراوان دیده می‌شود که فرموده اند:

«دروغ می‌گویند کسی که ادعای محبت ما خاندان را می‌کند ولی از

دشمنان ما براءت نمی‌جوید.» (۱۷)

عاشق اهل بیت علیهم السلام هیچ‌گاه در کنار تولی، تبری را فراموش نمی‌کند و اساساً بدون تبری از دشمنان، مودت و محبت معنی ندارد.

کفر و ایمان قرین یکدیگرند

هر که را کفر نیست، ایمان نیست

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی زیبا به این نشانه دوستداران اهل بیت علیهم السلام اشاره کرده و می‌فرماید:

دوستی ما و دوستی دشمنان ما در وجود یک انسان جمع نمی‌شود، چون خداوند برای انسان دو قلب قرار نداده که با یکی این را دوست بدارد و با دیگری آن را دشمن بدارد. دوستدار ما باید عشق و علاقه خود را برای ما خالص بگرداند همانطوری که طلا در داخل آتش خالص و تمام عیار می‌گردد. بنابراین هر کسی می‌خواهد بداند که دوست واقعی ما هست یا نه، قلب خود را مورد آزمایش قرار دهد. اگر در دل او همراه محبت ما، محبت دشمن ما هم باشد او از ما نیست و ما هم از او نیستیم.» (۱۸)

### آثار و برکات دوستی اهل بیت علیهم السلام

آن چنان که از سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام استفاده می‌شود، هر کار نیک و بدی در دنیا و آخرت آثار و نتایج دارد؛ یعنی کارهای نیک، برکات و درجاتی را به همراه داشته و کارهای بد موجب سقوط انسان و رسیدن به درکاتی در دو عالم می‌باشد. در این میان دوستی و دشمنی اهل بیت علیهم السلام نیز از محدوده این قاعده کلی بیرون نیست؛ یعنی عشق و دوستی عترت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان یک صفت ارزشمند موجب برکات و درجات و منزلت افراد است و در مقابل دشمنی و مخالفت با آنان هلاکت و شقاوت ابدی در پی خواهد داشت. در این قسمت با بهره

گیری از سخنان امیرمؤمنان علیه السلام به برخی از آثار و برکات عشق به اهل بیت علیهم السلام می پردازیم:

### ۱ - حشر با اهل بیت علیهم السلام در روز قیامت

علی علیه السلام فرمود: «من احبنا کان معنا یوم القیامة و لو ان رجلا احب حجرا لحشره الله معه؛ (۱۹) هر که ما را دوست بدارد، در روز قیامت با ما خواهد بود و اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را با آن محشور خواهد کرد.»

### ۲ - بالاترین درجات بهشت

آن بزرگوار فرمود: «ان اهل الجنة ینظرون الی منازل شیعتنا کما ینظر الانسان الی الکواکب؛ (۲۰) اهل بهشت به منازل شیعیان ما (در بالاترین درجات آن) نگاه می کنند همانطوری که انسان به ستارگان می نگرد.»

### ۳ - وصول به زیباترین نیکی ها

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «احسن الحسنات حبا و اسوء السيئات بغضنا؛ (۲۱) زیباترین نیکی ها دوستی و زشت ترین بدی ها مخالفت و دشمنی با ما است.»

### ۴ - رسیدن به مقام شهید

حضرت علی علیه السلام فرمود: «والمیت من شیعتنا صدیق شهید؛ صدق بامرنا و احب فینا و ابغض فینا یرید بذلک الله عز و جل؛ (۲۲) میت شیعه ما صدیق و شهید است چون که امر ما را تصدیق نموده و به خاطر ما دوستی و دشمنی نموده است و از این کار خود، خدای عز و جل را اراده کرده است.»

## ۵ - چشم روشنی در هنگام مرگ

روزی حارث همدانی به حضور علی علیه السلام آمد. امام علیه السلام از علت آمدن او جویا شد. او گفت: عشق و علاقه به شما مرا به اینجا کشانیده است. حضرت در تایید سخن او فرمود: «به خدا همین طور است. هیچ انگیزه‌ای جز محبت ما تو را به اینجا نیاورده است.» آن گاه علی علیه السلام به عنوان تشکر از اظهار علاقه این دوست صمیمی خویش، به او فرمود: «بدان که هیچ بنده‌ای از دوستان ما نمی‌میرد مگر اینکه در هنگام مردن، مرا آن طوری که دوست دارد می‌بیند و همچنین از دشمنان و مخالفین ما هم کسی نمی‌میرد تا اینکه در هنگام مرگ، در حالی که دلش نمی‌خواهد، مرا می‌بیند و شرمنده می‌شود.» (۲۳)

ای که گفتی فمن یمت یرنی  
جان فدای کلام دل جویت  
کاش روزی هزار مرتبه من  
مردمی تا بدیدمی رویت

## ۶ - دادرسی در سخت ترین لحظات

علی علیه السلام در حدیث دیگر به حارث فرمود: «لینفعک حینا عند ثلاث: عند نزول ملک الموت و عند مسالتک فی قبرک و عند موقفک بین یدی الله؛ (۲۴) [ای حارث!] دوستی و محبت ما اهل بیت در سه جای مهم و سرنوشت ساز برای تو سود خواهد داد: هنگام نازل شدن فرشته مرگ و موقعی که در قبر مورد سؤال و بازخواست قرار می گیری و زمانی که در روز قیامت در مقابل پروردگار ایستاده باشی.»

## ۷ - قبولی کارهای نیک

اگر انسان تمام کارهای خیر و اعمال نیک را انجام داده، واجبات الهی را به جای آورد، اما از اهل بیت و ولایت و محبت آنان دور باشد، هیچ یک از اعمال و نیکی های او ثمره ای نخواهد داشت.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست داشته باشد، ایمان او مفید بوده و اعمالش مورد پذیرش قرار خواهد گرفت، اما اگر کسی محبت ما اهل بیت را در دل نداشته باشد از ایمان خویش بی بهره بوده و کارهای نیک و اعمال دینی او مقبول نخواهد بود، گرچه روزها روزه گرفته و شبها به عبادت بپردازد.» (۲۵) و در کلام دیگری آن بزرگوار به قبر فرمود: «ای قبر! به خدا قسم کسی که در دل یقین به ولایت ما خانواده

داشته باشد برای او از عبادت هزار سال بهتر است، اگر بنده‌ای هزار سال خدا را عبادت کند خداوند عبادت او را نخواهد پذیرفت تا اینکه ولایت ما اهل بیت را قبول داشته باشد.» آنگاه حضرت با تاکید بر اهمیت موضوع ادامه می‌دهد: «اگر بنده‌ای هزار سال خداوند را عبادت کند و اعمال نیک هفتاد و دو پیامبر را هم به جا آورد، خداوند از او نخواهد پذیرفت تا اینکه ولایت ما را بپذیرد و گرنه خداوند او را به صورت به جهنم خواهد انداخت.»

(۲۶)

### آفات محبت

ممکن است انسان در اثر نادانی یا غلبه احساسات و یا پیروی از هوای نفس در عشق ورزیدن به اهل بیت علیهم السلام دچار افراط و تفریط گردد و در نتیجه علاوه بر اینکه از کار خویش هیچ بهره‌ای نمی‌برد، دچار زیان و هلاکت ابدی می‌گردد. مولای متقیان به این آفات بنیان برانداز اشاره کرده و در نهج البلاغه در مورد افرادی که در دوستی و محبت آن حضرت دچار انحراف می‌گردند می‌فرماید: «سیه‌لک فی صنفان: محب مفرط یذهب به الحب الی غیر الحق و مبغض مفرط یذهب به البغض الی غیر الحق و خیر الناس فی حالا النمط الاوسط فالزموه؛ (۲۷) دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند: کسی که در دوستی من افراط کند و شدت عشق و علاقه او را به

انحراف از حق دچار نماید و کسی که در اثر شدت دشمنی با من به سوی باطل رود. بهترین مردم نسبت به من کسانی هستند که راه اعتدال را بپیمایند، از آن‌ها جدا نشوید.»

همچنین آن بزرگوار عده‌ای را که در مورد اهل بیت علیهم السلام غلو می‌کردند؛ یعنی در مدح و ستایش و بیان فضائل و مناقب آنان افراط نموده و مقام الوهیت را به آن بزرگواران نسبت می‌دادند بر حذر داشته و مرز ابراز محبت را بیان می‌کند: «ایاکم و الغلو فینا، قولوا: انا عبید مربوبون و قولوا فی فضلنا ما شئتم؛ (۲۸) از غلو در محبت ما پرهیزید و اعتقاد داشته باشید که ما مخلوق و پرورده خداییم و آنگاه از فضایل ما هرچه دوست دارید بگویید.»

البته پدیده افراط گرایی در تاریخ اسلام یک عقیده خطرناکی بود و عده‌ای را هم به گمراهی و ضلالت کشانید. این اعتقاد فاسد در مورد شخص امام علی علیه السلام بیشتر بود، برای همین آن حضرت برای آگاهی بیشتر دوستان خویش با یک مثال، حقیقت مطلب را بیان می‌کند و می‌فرماید: «مثل من در میان این امت همچون عیسی بن مریم علیهما السلام است، گروهی او را دوست داشتند و در محبت آن حضرت افراط نمودند و در نتیجه هلاک شدند و عده‌ای هم به وسیله دشمنی با آن حضرت به بیراهه رفته و نابود شدند.» (۲۹)

## موانع محبت اهل بیت علیهم السلام

هر کسی نمی‌تواند دوستدار اهل بیت باشد، باید عشاق آل محمد صلی الله علیه و آله از آلودگی‌ها مبرا باشند و استعداد این هدیه الهی را در وجود خویش داشته باشند، با وجود موانع، مسلماً دوستی اهل بیت علیهم السلام به دل نخواهد چسبید و حلاوت و لذت این عشق مقدس و هدیه آسمانی را درک نخواهد کرد. به قول مولوی:

این محبت از محبت‌ها جداست

عشق محبوب خدا عشق خداست

براین اساس جایگیر شدن دوستی اهل بیت علیهم السلام در دل‌های انسان‌ها، نیاز به زدودن و رفع موانع دارد. این موانع عبارتند از:

### الف) تولد از حرام

امام علی علیه السلام در ضمن سخنانی به نوف بکالی فرمود: «کذب من زعم انه ولد من حلال و هو یبغضنی و یبغض الائمة من ولدی؛ (۳۰) ای نوف! دروغ می‌گویند کسی که خودش را حلال زاده می‌پندارد اما من و پیشوایان بعد از من را که از نسل من هستیم، دشمن خود می‌داند.» بنابراین کسی که از حرام متولد شده باشد نمی‌تواند دوستدار حقیقی اهل بیت علیهم السلام باشد، زیرا پلیدی با خوبی و زشتی با زیبایی همگون نیستند و از این جا

روشن می‌شود که عشق و علاقه به عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از نشانه‌های حلال زاده بودن انسان نیز هست، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «من وجد برد حبنا علی قلبه فلیکثر الدعاء لامه فانها لم تخن اباه؛ هر کس در دل خویش لذت دوستی ما اهل بیت علیهم السلام را احساس کند، به مادرش زیاد دعا کند، چرا که به پدرش خیانت نکرده است.» (۳۱)

### (ب) صفات زشت و غیر اخلاقی

روزی مردی به علی علیه السلام عرض کرد: خداوند مرا فدای شما گرداند، من به شما خانواده خیلی علاقه دارم و آن حضرت را بسیار ستود، حضرت به او فرمود: «دروغ می‌گویی، ما را چند دسته دوست ندارند؛ انسان‌های بی‌غیرت و ناموس فروش، مردانی که حالات زنانه از خود بروز می‌دهند، متولدین از حرام و کسانی که مادرشان در ایام عادت به آن‌ها باردار شده است.»

راوی حدیث می‌گوید: مدتی گذشت تا اینکه جنگ صفین پیش آمد، همان مرد به همراه لشکریان معاویه در جنگ صفین به هلاکت رسید و راستی گفتار امام علی علیه السلام روشن شد.

اصولا این که مومن نمی‌تواند بدون عشق و محبت اهل بیت علیهم السلام زندگی کند و در مقابل، انسان‌های منحرف و گمراه و منافق هم

نمی‌توانند آل الله عليهم السلام را از ته دل دوست داشته باشند، یک حقیقت تردیدناپذیر است و کلام زیبای علی علیه السلام در ذیل روایت اصبع نباته، این حقیقت را واضح‌تر می‌نماید. او می‌گوید: در مسجد کوفه و در محضر امیرمؤمنان علی علیه السلام بودم که غلام سیاهی را به اتهام سرقت به محضر آن حضرت آوردند. بعد از سه بار اقرار وی به دزدی و اثبات آن در نزد علی علیه السلام، امام دستور داد تا دست راست او را قطع کنند. آن غلام با دست چپ، دست بریده خویش را در حالی که خون از آن می‌ریخت، برداشته و از محضر امام بیرون رفت. در این موقع یکی از خوارج و دشمنان حضرت به نام «ابن کوا» خواست از فرصت استفاده کند و آن غلام را که از دوستداران اهل بیت عليهم السلام بود به بدگویی بر علیه امام علی علیه السلام تحریک نماید، لذا به او گفت: «ای غلام دست تو را چه کسی قطع کرد؟!»

او در جواب ابن کوا چنین گفت:

«قطع یمینی امام التقی، و ابن عم المصطفی شقیق النبی المجتبی، لیث الثری، غیث الوری، حتف العدی و مفتاح الندی و مصباح الدجی. قطع یمینی امام بدری احدی مکی مدنی ابطحی هاشمی قرشی؛ دست راستم را کسی برید که پیشوای متقیان و پسر عمو، برادر پیامبر صلی الله علیه و آله، شیر روی زمین، باران بیابان‌ها، کوبنده دشمنان و چراغ فروزان در تاریکی

هاست. دست راستم را پیشوایی قطع کرد که قهرمان نبردهای بدر و احد بود. او سرور مکه و مدینه و ابطح است و از دودمان هاشم و قریش است.»  
بعد از این مدح و ثنای زیبا، بلیغ و طولانی، راه خودش را گرفت و رفت. ابن کوا با شگفتی تمام خود را به محضر علی علیه السلام رسانده و گفت: یا ابالحسنین! تو دست آن غلام سیاه را قطع کردی و او در کوچه و بازار با زیباترین عبارات و بهترین کلمات تو را مدح و ثنا می گوید. امام دستور داد غلام را حاضر کنند. سپس از او پرسید: «ای غلام! من دست تو را بریدم و تو مرا مدح و ثنا می گویی؟!» او پاسخ داد: «یا امیرالمؤمنین! تو دست مرا به حکم خداوند و رسول او بریدی و به حق بریده‌ای و به واجب خدا و رسول عمل کرده‌ای! چگونه تو را نستایم؟»

امیرمؤمنان علیه السلام دست بریده او را گرفته و با عبای خود پوشانید و دو رکعت نماز خوانده و دعا کرد و بعد آن را بر جای خود قرار داد. آنگاه عبا را برداشت، دست غلام را به اذن الهی سالم یافتند.

آنگاه به عبدالله بن کوا روی کرده و فرمود: «یا ابن الکوا، ان لنا محبین لو قطعنا الواحد منهم اربا اربا ما ازدادوا الا حبا و لنا مبغضین لو العقناهم العسل ما ازدادوا الا بغضا؛ (۳۲)

ای ابن کوا! ما دوستانی داریم که اگر ایشان را قطعه قطعه کنیم جز بر دوستی و محبت آنان نسبت به ما نیفزاید و دشمنانی داریم که اگر عسل خالص در گلوی آنها بریزیم جز بر دشمنی نسبت به ما نخواهد افزود.»

## پاورقی

- (۱) امالی مفید، ص ۳۵۳.
- (۲) شوری / ۲۳.
- (۳) وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۹۵.
- (۴) عشق برتر، ص ۱۴ و ۱۵.
- (۵) بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۷.
- (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۹.
- (۷) همان، ص ۳۸۸.
- (۸) بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۲.
- (۹) همان، ج ۲۷، ص ۵۳.
- (۱۰) مستطرفات السرائر، ص ۶۳۹.
- (۱۱) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.
- (۱۲) تفسیر فرات کوفی، ص ۱۲۸.
- (۱۳) خصال، ج ۲، ص ۶۲۸.
- (۱۴) غررالحکم با ترجمه آقا جمال، ش ۹۰۳۸.
- (۱۵) نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۱۲.
- (۱۶) شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱۸، ص ۲۷۵.
- (۱۷) مستطرفات السرائر، ص ۶۴۰.
- (۱۸) تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.
- (۱۹) امالی صدوق، ص ۲۰۹، مجلس ۳۷.
- (۲۰) بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۴۸.
- (۲۱) غررالحکم با ترجمه آقا جمال، ج ۲، ص ۴۸۰.
- (۲۲) تاویل الآیات الظاهره، ص ۶۴۲.

- (٢٣) اعلام الدين ديلمى، ص ٤٤٨.
- (٢٤) همان، ص ٤٦١.
- (٢٥) بصائر الدرجات، ص ٣٦٤.
- (٢٦) مستدرک، ج ١، ص ١٦٨.
- (٢٧) نهج البلاغه، خطبه ١٢٧.
- (٢٨) غررالحکم، ش ٢٧٤٠، بحارالانوار، ج ١٠، ص ٩٢.
- (٢٩) بحارالانوار، ج ٣٥، ص ٣١٥.
- (٣٠) امالى صدوق، ص ٢٠٩.
- (٣١) بحار الانوار، ج ٢٧، ص ١٤٧.
- (٣٢) همان، ج ٣٤، ص ٢٦٧؛ التحصين ابن طاووس، ص ٦١٣.